

Designing and Validating Administrative Corruption Prevention Model based on Psycho-Contextual Etiology and Representation of the Impacts of Administrative Corruption on Citizens' Lives

Saeid Zandi¹, Masoumeh Esmacili², Kumars Farahbakhsh³

1. (Corresponding author), Ph.D. of Counseling, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Education, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. sa.zandi@atu.ac.ir
2. Ph.D. of Counseling, Professor, Faculty of Psychology and Education, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. mesmaeili@atu.ac.ir
3. Ph.D. of Counseling, Associate Professor, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Education, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. farahbakhsh@atu.ac.ir

ABSTRACT

Received: 13/12/2023 - Accepted: 31/05/2024

Aim: Administrative corruption prevention in Iran lacks models based on psychological research. This study aimed to design and validate the "administrative corruption prevention model based on psycho-contextual etiology and representation of the impacts of administrative corruption on citizens' lives". **Methods:** In the first phase (identification of the perception of public employees about the psychological and contextual factors that prevent corruption), data were collected using phenomenological method and semi-structured interviews with 14 public employees working in public sector organizations in Tehran, who were selected using convenience sampling and considering saturation principle. In the second phase (identification of the citizens' perception about the effects of corruption on their lives), data were gathered through semi-structured interviews with 15 Tehran residents, who were recruited via convenience sampling and considering conceptual saturation. In the third phase (determining the dimensions and components of the model), using delphi method and surveying eight experts, who were selected via the purposive sampling, the model was assessed and modified. **Results:** The results of data analysis in the first phase led to formation of six main themes: cognitive characteristics, emotional patterns, personality characteristics, behavioral strategies, familial background, and organizational context. In the second phase, two main themes emerged: negative individual consequences and negative collective consequences. The third phase showed that the agreement of the expert panel with the whole model was 92.61% and with each component was 88% or higher, confirming the validity of the model. The model was finalized with five dimensions and 13 components. The dimensions are: 'appropriate selection and appointment', 'individual and group counseling interventions', 'behavioral strategies training', 'organizational culture modification and promotion', and 'monitoring and feedback'. **Conclusion:** A set of individual and contextual components have a potential role in self-control towards committing corruption. The presented model can be used and evaluated in designing and implementing preventive programs.

Keywords: Administrative violations, corruption prevention model, organizational corruption, organizational ethics, psychology of corruption



فصلنامه علمی پژوهشهای مشاوره
انجمن مشاوره ایران
جلد ۲۳، شماره ۹۱، پاییز ۱۴۰۳
مقاله پژوهشی

e-issn: 4018-2717

p-issn: 400-2717X

DOI: 10.18502/qjcr.v23i91.16935

طراحی و اعتباریابی الگوی پیشگیری از فساد اداری مبتنی بر سبب‌شناسی روانی - زمینه‌ای و بازنمایی اثرات فسادهای اداری بر زندگی شهروندان

سعید زندگی^۱، معصومه اسمعیلی^۲، کیومرث فرحبخش^۳

۱. (نویسنده مسئول)، دکتری مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
sa.zandi@atu.ac.ir
۲. دکتری مشاوره، استاد، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
m.esmaeili@atu.ac.ir
۳. دکتری مشاوره، دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
farahbakhsh@atu.ac.ir

چکیده

هدف: حوزه پیشگیری از فساد اداری در کشور شاهد فقدان الگوهایی مبتنی بر پژوهش‌های روان‌شناختی است. هدف مطالعه حاضر طراحی و اعتباریابی الگوی پیشگیری از فساد اداری مبتنی بر سبب‌شناسی روانی-زمینه‌ای و بازنمایی اثرات فسادهای اداری بر زندگی شهروندان بود.

روش: در فاز اول (شناسایی ادراک کارکنان خدمات عمومی از عوامل روانی-زمینه‌ای پیشگیری‌کننده از فساد)، داده‌ها با استفاده از روش پدیدارشناسی و ضمن مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۱۴ نفر از کارکنان ادارات بخش عمومی تهران که از طریق نمونه‌گیری دردسترس و بادنظرگیری اصل اشباع انتخاب شدند، جمع‌آوری گردید. در فاز دوم (شناسایی ادراک شهروندان از اثرات فساد بر زندگی آن‌ها) ضمن مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۱۵ شهروند تهرانی که از طریق نمونه‌گیری دردسترس و بادنظرگیری اشباع مفهومی انتخاب شدند، نسبت به جمع‌آوری داده‌ها اقدام گردید. در فاز سوم (تعیین ابعاد و مولفه‌های الگو)، با استفاده از روش دلفی و ضمن نظرسنجی از هشت متخصص که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند، نسبت به ارزیابی و اصلاح الگو اقدام شد.

یافته‌ها: نتایج تحلیل داده‌ها در فاز اول منجر به شکل‌گیری شش مضمون اصلی شد: «ویژگی‌های شناختی»، «الگوهای هیجانی»، «ویژگی‌های شخصیتی»، «راهبردهای رفتاری»، «بافت خانوادگی» و «بافت سازمانی». در فاز دوم، دو مضمون اصلی پدید آمد: «پیامدهای منفی فردی» و «پیامدهای منفی جمعی». فاز سوم نشان داد میزان توافق پنل خبرگان با کل الگو ۹۲/۶۱ درصد و با تک‌تک مولفه‌ها نیز ۸۸ درصد یا بالاتر بود و این موید اعتبار الگو می‌باشد. الگوی پیشگیری از فساد اداری با پنج بعد و ۱۲ مولفه نهایی شد. ابعاد الگو عبارتند از: «انتخاب و انتصاب مناسب»، «مداخلات مشاوره‌ای فردی و گروهی»، «آموزش راهبردهای رفتاری»، «اصلاح و ارتقای فرهنگ سازمانی» و «نظارت و بازخورد».

نتیجه‌گیری: مجموعه‌ای از مولفه‌های فردی و زمینه‌ای در خودکنترلی نسبت به ارتکاب فساد نقش بالقوه دارند. الگوی ارائه‌شده را می‌توان در طراحی و اجرای برنامه‌های پیشگیرانه مورد کاربست و ارزیابی قرار داد.

واژه‌های کلیدی: اخلاق سازمانی، تخلفات اداری، روان‌شناسی فساد، فساد سازمانی، مدل پیشگیری از فساد.

مقدمه

فساد اداری زمانی اتفاق می‌افتد که یک مسئول یا کارمند دولتی از ظرفیت‌های رسمی برای مقاصد و منافع شخصی بهره‌گیری کند (هان^۱، ۲۰۲۳). فساد می‌تواند در ابعاد مختلفی رخ دهد. فساد که منافع کوچک برای اشخاص اندکی ایجاد کند (فساد جزئی یا فساد خرد)؛ فساد که در بعد دولت و ابعاد بزرگ روی می‌دهد (فساد کلان یا فساد بزرگ)؛ و فساد که در ساختار زندگی روزمره مردم در اجتماع رایج و گسترده است و نشانه‌های جرائم سازمان‌یافته است (فساد نظام‌مند یا فساد سیستماتیک) (رز-آکرمین و پالیفکا^۲، ۲۰۲۰). وانگ^۳ (۲۰۱۳)، تونلی و همکاران^۴ (۲۰۱۸) و حسینی هاشم‌زاده (۱۳۹۹) مصداق‌های متعددی برای فساد اداری نام برده‌اند که موارد اصلی آن‌ها عبارتند از: تبانی، رشوه‌خواری، اختلاس، پیوند، اخاذی، قاچاق نفوذ، شبکه‌سازی، باندبازی، رانت‌خواری، خویشاوندسالاری، کم‌کاری، فروش اطلاعات محرمانه و حامی‌پروری.

اگرچه فساد اداری در اکثر نقاط دنیا به‌ویژه کشورهای در حال توسعه وجود دارد، این موضوع یک مشکل جدی در ایران است (بهشتی و خانمحمدی، ۱۳۹۹؛ زندی و همکاران^۵، ۲۰۲۴a، ۲۰۲۴b). ایران از نظر فساد اداری در زمره کشورهای با فساد بالا قرار دارد (سازمان شفافیت بین‌الملل^۶، ۲۰۲۴؛ ایجادی، ۲۰۱۴). مانارا و همکاران^۷ (۲۰۲۳) نشان داده‌اند که فساد کارکنان دولتی می‌تواند کیفیت و کارایی خدمات عمومی مانند بهداشت، آموزش، عدالت، امنیت و زیرساخت‌ها را تضعیف کند؛ اعتماد و مشروعیت نهادهای عمومی و مقامات دولتی را از بین ببرد و پاسخگویی و شفافیت را تضعیف

1. Han
2. Rose-Ackerman, & Palifka
3. Wang
4. Tunley et al
5. Zandi, et al
6. Transparency International
7. Manara, et al

کند؛ نیز می‌تواند تخصیص و توزیع منابع عمومی را مخدوش کند و نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌های اجتماعی و اقتصادی را ایجاد یا تشدید کند.

فساد اداری به همراه اجحافات و زورگویی اداری موجب تباهی منافع عمومی می‌گردد (راغفر، ۱۳۹۲). با توجه به احساس ظلمی که ارباب رجوع از مصادیق فساد می‌کند، می‌توان فساد را نوعی خشونت نرم علیه مردم تلقی نمود. فاضلی (۱۳۹۸) نشان داده است که مردم هر قدر سیستم اداری را فاسدتر بدانند، آمادگی روان‌شناختی‌شان برای پذیرش و اقدام به فساد افزایش می‌یابد و اقدامات فسادآلود به شهروندان نیز تسری پیدا می‌کند؛ بنابراین، فروریختن قبح فساد و قربانی شدن اخلاق فردی و ایجاد جو اخلاقی خودخواهانه و سودجویانه در جامعه از پیامدهای فساد محسوب می‌شوند (حسینی هاشم‌زاده، ۱۳۹۹). در صورتی که اقدامات علمی اساسی جهت پیشگیری از فساد اداری صورت نگیرد، ممکن است اقدامات فسادآلود در سراسر نهادهای کشور تسری پیدا کرده و در جامعه بیش‌ازپیش شیوع یابند (زندى، ۱۴۰۲). با تسری فسادهای اقتصادی به جامعه، گفتمان خلافکاری تقویت می‌گردد. اقدامات پیشگیرانه و مقابله‌ای در زمینه فساد اداری آنقدر اهمیت و ضرورت دارند که همواره در اسناد بالادستی کشور مورد تأکید بوده‌اند. مبارزه با فساد به صراحت در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی و نیز در بندهای مرتبط با سیاست‌های بخش امور اجتماعی، سیاسی، دفاعی و امنیتی برنامه چهارم توسعه ذکر شده است: «اصلاح نظام اداری و قضایی در جهت: افزایش تحرک و کارایی، بهبود خدمت‌رسانی به مردم، تأمین کرامت و معیشت کارکنان، به‌کارگیری مدیران و قضات لایق و امین و تأمین شغلی آنان، حذف یا ادغام مدیریت‌های موازی، تأکید بر تمرکززدایی در حوزه‌های اداری و اجرایی، پیشگیری از فساد اداری و مبارزه با آن و تنظیم قوانین مورد نیاز».

ریشه‌ها و عوامل متعددی برای ارتکاب به فساد اداری مطرح شده‌اند. دیمانت و

توساتو^۱ (۲۰۱۸) در پژوهشی ریشه‌های فساد را وجود طمع پول و قدرت، وجود زمینه اقتصاد انحصاری شده، مشارکت مدنی ضعیف، شفافیت خیلی کم، دیوان سالاری سنگین، آزادی کم مطبوعات، عدم ادغام کافی در سیستم اقتصادی جهانی، فقر و سطح پایین آموزش معرفی کرده‌اند. برخی پژوهشگران نیز به سازوکارها و خلاءهای قانونی ممکن‌کننده بروز فساد اداری اشاره داشته‌اند (کیوان‌پناه، ۱۳۸۸). کلیتگارد^۲ (۱۹۹۸) این فرضیه را ارائه می‌دهد که فساد اداری به وقوع خواهد پیوست چنانچه نفع حاصل از آن بیشتر از مجازات ضربدر احتمال دستگیری باشد.

در سال‌های اخیر تلاش شده تا یک ارزیابی سیستمی از میزان موفقیت روش‌های ضدفساد به عمل آید و مشخص شده است که این حوزه هنوز در مراحل ابتدایی حیات خویش است (فوگس-پوچیو^۳، ۲۰۱۳). متخصصان بر نهادهای سازی وجدان کاری، انضباط اجتماعی، امانت‌داری، مسئولیت‌پذیری اداری، پاسخگویی و تکریم ارباب‌رجوع نیز برای پیشگیری از فساد اداری تاکید داشته‌اند (رستمی و همکاران، ۱۳۹۶). بنابراین، احتمالاً برنامه‌های جامع بتوانند پیشگیری از بروز فساد اداری را هدف قرار دهند تا احتیاج کمتری به رویه‌های پس‌ازوقوع وجود داشته باشد. در این راستا، در کشور اخیراً برخی محققان به طراحی الگوهای پیشگیرانه اهتمام ورزیده‌اند. برای نمونه، نیک‌پور (۱۳۹۵) به ارائه مدل نظارت عمومی به منظور پیشگیری از بروز فساد اداری در سازمان‌های دولتی ایران اقدام نمود. ابعاد این الگو شامل نظارت اتحادیه‌ها و انجمن‌ها، نظارت احزاب، نظارت نهادهای مذهبی، نظارت رسانه‌ها و مطبوعات، نظارت کارکنان سازمان، نظارت شهروندان، نظارت نهادهای وابسته به قوه مجریه، نظارت نهادهای وابسته به قوه قضائیه، نظارت نهادهای وابسته به قوه مقننه و نظارت سازمان مستقل مبارزه با فساد است. الوانی و اسلام‌پناه (۱۳۹۷) یک مدل بازدارندگی از فساد اداری با

1. Dimant, & Tosato
2. Klitgaard
3. Forgues-Puccio

اتکا بر آموزه‌های نهج‌البلاغه ارائه نموده‌اند. مدل آن‌ها شامل سه سطح و هفت مضمون اصلی می‌باشد: تعالی بخشی (تعالی بخشی فضایل اخلاقی و معنوی)، درمان (سازوکارهای حل‌کننده) و پیشگیری (سازوکارهای نظارتی و ارزشیابی، سازوکارهای گزینشی و تخصصی، مردم‌داری و حسن معاشرت اجتماعی، سازوکارهای ساختاری و پرهیز از ویژه‌خواهی). زرندی و واعظی (۱۳۹۸) با مرور ادبیات پیشگیری از فساد اداری، ۳۶۵ شاخص استخراج کردند و در نهایت مدلی بومی مبتنی بر ساماندهی، نظارت و برخورد با تخلفات ارائه نمودند. نیک‌پور (۱۴۰۱) به ارائه الگوی نظارت مدیریتی به منظور پیشگیری از بروز فساد اداری اهتمام ورزید؛ ابعاد این مدل عبارت بودند از: نظارت از طریق مأمورین بازرسی سازمان، نظارت هیئت‌های اداری، نظارت از طریق بازرسان مخفی سازمان، نظارت مستقیم شخص مدیر، نظارت با استفاده از تجهیزات الکترونیکی و نظارت سلسله‌مراتبی. سلطانی و همکاران (۱۴۰۱) یک مدل جامع ساختاری از عوامل موثر در پیشگیری فساد اداری دستگاه‌های آموزشی معرفی کردند. در این الگو، در بالاترین سطح، عوامل فردی و سازمانی قرار گرفته است. در سطح دوم، عوامل مدیریتی، فرهنگی و سیاسی قرار داشته و در سطح سوم، عوامل قضایی (قانونی) قرار دارد.

با توجه به مرور انجام‌شده، در الگوهای تجویزی پیشگیرانه موجود، ویژگی‌های روان‌شناختی و زمینه‌ای فردی کمتر مورد توجه واقع شده‌اند؛ این در حالی است که شواهد نشان از تاثیر این ویژگی‌ها در ارتکاب فساد اداری دارند؛ برای مثال، دلبستگی به کار، روحیه مشارکت و حس مسئولیت نسبت به مسائل جامعه و سازمان از جمله ویژگی‌های اخلاق حرفه‌ای هستند که اگر مغفول واقع شوند احتمال فساد اداری افزایش می‌یابد (خلیلی پاجی، ۱۳۹۶). فرهادی‌نژاد (۱۳۹۹) نشان داده است که وجدان کاری پایین، درجه ریسک‌پذیری بالا، میزان پایین ایمان، میزان پایین تقید به اخلاقیات، طمع و آزمندی بالا، درجه پایین سازگاری با عدم اطمینان و خودخواهی و فردگرایی بالا از

جمله عوامل روان شناختی فساد اداری است. گاهی اوقات نیز انگیزه فسادهای خرد در سازمان ناشی از ارضای حس انتقام در شخص مربوطه است و آن شخص با این کار به نوعی انتقام عدم پیشرفت شغلی خود را می گیرد (توکلی شیرازی، ۱۳۹۸). داپای و نست^۱ (۲۰۱۸) در پژوهشی فرایندهای شناختی همچون روایت های توجیه گرانه را در ارتکاب فساد موثر نشان داده اند. مانارا و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی نشان دادند که برخی از مرتکبین فساد اداری علاوه بر اهداف فردی و سازمانی، به صورت رایین هودوار به برخی اهداف اجتماعی از جمله کمک به کشاورزان و کمک به عموم مردم به عنوان انگیزه ارتکاب اشاره می کنند. بنابراین، آنها نشان دادند که فساد، که عموماً یک رفتار غیراخلاقی تلقی می شود که برای پیشبرد اهداف شخصی به کار می رود، می تواند ابزاری برای دستیابی به اهداف اجتماعی و اخلاقی سالم نیز باشد. در پژوهشی دیگر، حسینی هاشم زاده (۱۳۹۹) سطح بالای طمع و راحت طلبی و سطح پایین عزت نفس و صداقت را به عنوان عوامل روان شناختی افزایش احتمال فساد اداری برمی شمرد. وی همچنین نقش یادگیری اجتماعی در محیط خانوادگی و شغلی را به عنوان عاملی که فرایندهای شناختی فرد را تحت الشعاع قرار می دهد در این زمینه مهم می داند. فساد اداری به عنوان رفتار انحرافی آموخته می شود و هرچه کنشگران بیشتر در معرض اشکال فساد اداری باشند، زمینه تکرار کنش فساد از سوی کنشگر در معرض یادگیری افزایش می یابد. کافی است زمینه تشویق نیز برای کنش فساد اداری فراهم باشد تا این رفتار تقویت شده و درونی گردد. نظریه یادگیری اجتماعی در تبیین این فرایند کمک کننده است.

برخی تحقیقات نیز صرفاً به تاثیرگذاری برخی عوامل خانوادگی در شکل گیری شخصیت فسادپذیر اشاره داشته اند. به عنوان نمونه، توکلی شیرازی (۱۳۹۸) نشان داده است وقتی والدین برای فراهم آوردن نیازهای کودک و انجام وظایف خودشان شرط می گذارند، اگر به وعده خود عمل کنند، کودک را به فرایند رشوه عادت داده و باج خواهی

را به او می‌آموزند و اگر به وعده خود عمل نکنند، بذر شیادی و ریاکاری را در شخصیت کودک می‌کارند. مطابق نظریه واقعیت‌درمانی، اگر نیاز به احساس محبت و احساس ارزشمندی در فرد ارضا نشود، او دچار هویت شکست شده و برای برآوردن این دو نیاز، درست و نادرست را از هم تشخیص نداده و ممکن است اقدامی غیرمسئولانه انجام دهد که در این میان دیگران نیز آسیب ببینند (شفیع‌آبادی و ناصری، ۱۴۰۱). این فرد دیگر نه برای خود ارزش قائل است و نه برای دیگران و در فهم و کاربرد اصول اخلاقی و ارزش‌ها در زندگی روزمره‌اش دچار ناتوانی می‌گردد. لذا در مورد فسادهای اداری نیز احتمالاً از طریق مکانیسم‌های دفاعی انکار یا نادیده‌انگاری واقعیت، نمی‌پذیرد که رفتارش چقدر می‌تواند برای دیگران نامطلوب باشد.

به نظر می‌رسد که مسائل روان‌شناختی و زمینه‌ای در بروز فساد اداری و پیشگیری از آن دارای اهمیت بوده و در صورت انجام یک مطالعه جامع روی آن‌ها، می‌توان آن‌ها را منسجم ساخته و یک الگوی پیشگیرانه نوآورانه در این زمینه ارائه نمود. اگر ویژگی‌های فردی و زمینه‌ای کارکنان ادارات در برنامه‌های پیشگیری از فساد در نظر گرفته شوند، پازل مبارزه با فساد اداری از لحاظ علمی و نظری کامل‌تر می‌گردد. علاوه بر تمرکز بر عوامل فردی و زمینه‌ای، می‌توان از روش بازنمایی پیامدها نیز در این الگوها استفاده کرد. در فرایند بازنمایی، می‌توان دنیای پدیداری افراد آسیب‌دیده از فساد اداری را به کارکنان ادارات انعکاس داد. برخی پژوهش‌ها و آزمایشات روان‌شناسی (از جمله آزمایش میلگرام) نشان داده‌اند که اگر انسان به روشنی دریابد که اعمال خلافش چه بر سر انسان‌های دیگر می‌آورد، به احتمال بیشتری در رفتار خود تجدیدنظر می‌کند (میلگرام^۱، ۲۰۱۹). با توجه به موارد مطرح شده، ضرورت طراحی یک الگوی پیشگیری از فساد اداری بر اساس شناخت عوامل سطح خرد موثر بر پیشگیری و نیز شناسایی پیامدهای فسادهای اداری احساس می‌شود. هدف مطالعه حاضر، طراحی و اعتباریابی «الگوی

پیشگیری از فساد اداری مبتنی بر سبب‌شناسی روانی-زمینه‌ای و بازنمایی اثرات فسادهای اداری بر زندگی شهروندان» بود.

روش

این پژوهش در سه فاز انجام پذیرفت. هدف فاز اول، شناسایی ادراک کارکنان بخش عمومی از عوامل روانی-زمینه‌ای پیشگیری‌کننده از فساد اداری با روش پدیدارشناسی بود. مشارکت‌کنندگان از میان کارکنان خدمات عمومی شهر تهران در سال ۱۴۰۱ و از طریق نمونه‌گیری دردسترس داوطلبانه (درج فراخوان) انتخاب شدند. ضمن درنظرگیری اصل اشباع، با افراد علاقه‌مند به شرکت در پژوهش که ملاک‌های ورود را احراز کردند مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام گرفت و فرایند نمونه‌گیری تا زمان اشباع مفهومی مقوله‌ها (مصاحبه با ۱۴ نفر) ادامه یافت. ملاک‌های ورود به پژوهش در این فاز عبارت بودند از: «اظهار به تجربه عدم ارتکاب مصادیق فساد اداری در مواردی که فرصت آن فراهم بوده است» و «دست‌کم پنج سال سابقه اشتغال در حوزه خدمات عمومی». ده نفر از مشارکت‌کنندگان مرد و چهار نفر از آنان زن بودند؛ میانگین سن این مشارکت‌کنندگان تقریباً ۴۱ سال بود؛ هفت اطلاع‌دهنده دارای تحصیلات کارشناسی ارشد، پنج نفر دارای تحصیلات کارشناسی و دو نفر در سطح دکتری بودند؛ شش نفر از شرکت‌کنندگان متاهل، پنج نفر مجرد و سه نفر جدا شده بودند؛ میانگین سابقه کار پاسخ‌دهندگان نیز حدوداً ۱۳ سال بود. جمع‌آوری داده‌ها از آبان تا اسفند ۱۴۰۱ و توسط یک دانشجوی دکتری رشته مشاوره و در زمان دلخواه مشارکت‌کنندگان و به صورت تماس تصویری یا صوتی انجام گرفت. سه نمونه از سوالات محوری مصاحبه عبارت بودند از: «چه عواملی بر تصمیم شما برای پرهیز از فساد اداری تأثیر می‌گذارند؟ به عنوان مثال، ارزش‌های شخصی، باورها، افکار، نگرش‌ها، انگیزه‌ها و احساسات که شما را از نیات فاسد و اعمال فاسد دور نگه می‌دارند»، «عوامل زمینه‌ای که بر تصمیم شما برای خودداری از فساد اداری تأثیر می‌گذارند کدام است؟ برای نمونه، فرهنگ، ساختار،

سیاست‌ها، رویه‌ها، مشوق‌ها و کنترل‌های سازمانی» و «چگونه با چالش‌ها یا فشارهای اخلاقی که ممکن است در مورد فساد اداری در محیط کار خود با آن مواجه شوید کنار می‌آیید؟». هر مصاحبه تقریباً ۴۵-۹۰ دقیقه زمان برد. با توجه به حساسیت موضوع و جهت جلب اعتماد از ضبط صوتی مصاحبه‌ها صرف نظر شد و محتوای مصاحبه یادداشت برداری گردید. داده‌ها با روش تحلیل مضمون بازتابی تحلیل شدند.

هدف فاز دوم، شناسایی ادراک و تجربه شهروندان جامعه از اثرات فسادهای اداری کارکنان خدمات عمومی بر زندگی مردم بود. این فاز از آن جهت به انجام رسید که پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که میزان توجه کارمندان دولتی به پیامدهای ارتکاب فساد احتمالاً بر تصمیم به اجرای عمل خلاف موثر است. لذا شناسایی پیامدهای فساد زندگی شهروندان می‌تواند ابعاد پیامدی احتمالی الگوی حاصله را غنی‌تر نماید. در این فاز نیز از روش پدیدارشناسی استفاده گردید. مشارکت‌کنندگان از میان شهروندان ساکن شهر تهران و از طریق نمونه‌گیری دردسترس داوطلبانه (درج فراخوان) انتخاب شدند. ضمن در نظرگیری اصل اشباع، با افراد علاقه‌مند به شرکت در پژوهش که ملاک‌های ورود را احراز کردند مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام گرفت و فرایند نمونه‌گیری تا زمان اشباع مفهومی مقوله‌ها (مصاحبه با ۱۵ نفر) ادامه یافت. ملاک‌های ورود به پژوهش در این فاز عبارت بودند از: «سن ۲۰ تا ۶۰ سال»، «سکونت در شهر تهران از حداقل دو سال گذشته» و «تجربه مواجهه مستقیم یا غیرمستقیم با مصادیق فساد اداری در یک سال گذشته». هشت نفر از مشارکت‌کنندگان زن و هفت نفر مرد بودند؛ میانگین سن مشارکت‌کنندگان تقریباً ۳۹ سال بود؛ پنج نفر تحصیلات کارشناسی، چهار نفر سطح متوسطه دوم، سه نفر کارشناسی ارشد، یک نفر متوسطه اول، یک نفر ابتدایی و یک نفر تحصیلات دکتری داشتند؛ از نظر وضعیت تاهل نیز هشت متاهل، پنج مجرد و دو جداشده در میان اطلاع‌دهندگان حضور داشتند. جمع‌آوری داده‌ها از آبان‌ماه تا اسفندماه سال ۱۴۰۱ و توسط یک دانشجوی دکتری رشته مشاوره و در زمان دلخواه مشارکت‌کنندگان و

به صورت تماس تصویری یا صوتی انجام گرفت. دو نمونه از پرسش‌های اصلی مصاحبه عبارت بودند از: «فسادهای اداری چه تأثیراتی بر شما داشته است؟» و «وقتی با فساد اداری مواجه شدید چه احساس یا واکنشی داشتید؟». هر مصاحبه تقریباً ۴۵-۹۰ دقیقه زمان برد. با توجه به حساسیت موضوع و جهت جلب اعتماد از ضبط صوتی مصاحبه‌ها صرف نظر شد و محتوای مصاحبه یادداشت برداری گردید. داده‌ها با روش تحلیل مضمون بازتابی تحلیل شدند.

هدف فاز سوم، تعیین ابعاد و مولفه‌های الگوی پیشگیری از فساد اداری و اعتباریابی درونی آن بود. ابتدا با استفاده از نتایج فازهای پیشین نسبت به طراحی یک الگوی مقدماتی اقدام شد. سپس در بخش اعتباریابی، با روش دلفی و در قالب پنل خبرگان، ضمن نظرسنجی از متخصصان، نسبت به ارزیابی الگوی مقدماتی اقدام شد و در نهایت، به اصلاح و اعتباریابی الگو و ارائه نسخه نهایی آن پرداخته شد. مشارکت‌کنندگان در بخش اعتباریابی هشت متخصص بودند که با روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع کارشناسی انتخاب شدند. پژوهشگران برخی از این متخصصان را با شناخت قبلی از تخصص ایشان و مستقیماً انتخاب نمودند؛ سایر متخصصان از سوی دیگر متخصصان شرکت‌کننده در مطالعه پیشنهاد شدند. ملاک ورود به پژوهش که در انتخاب این ارزیابان لحاظ شد عبارت بود از: «دانش آموخته دکتری رشته‌های مشاوره (با تخصص شغلی یا خانواده)، روان‌شناسی صنعتی-سازمانی و جرم‌شناسی، یا تصدی سمت مدیریت منابع انسانی یا کارگزینی و یا عضویت در هیات‌های تخلفات اداری در سازمان‌ها با حداقل پنج سال سابقه مدیریت». مشارکت‌کنندگان فاز سوم مطالعه (بخش اعتباریابی) هشت نفر (۶ مرد و ۲ زن) بودند که به صورت میانگین حدوداً ۴۸ سال سن داشتند؛ میانگین سابقه کار آنان نیز تقریباً ۱۵ سال بود. جهت جمع‌آوری داده‌ها، از مقیاس‌های درجه‌بندی در قالب نظرسنجی دلفی استفاده شد. سوال‌های اصلی نظرسنجی دلفی عبارت بودند از: «آیا با مولفه‌های مرتبط با ابعاد الگوی حاضر

موافقید؟» و «چه پیشنهادهایی جهت بهبود الگوی حاضر دارید؟». جمع‌آوری داده‌های این فاز از خرداد تا تیر ۱۴۰۲ انجام پذیرفت. روش‌های تحلیل مورد استفاده جهت بخش اعتباریابی این مطالعه آماره‌های توصیفی (فراوانی و درصد فراوانی) و نیز روش درصد توافق بودند.

یافته‌ها

سوال فاز اول این بود که «ادراک کارکنان ادارات از عوامل روانی-زمینه‌ای موثر بر پیشگیری از فساد اداری چگونه است؟». تحلیل داده‌های این بخش منجر به شکل‌گیری شش مضمون اصلی شد: «ویژگی‌های شناختی»، «الگوهای هیجانی»، «ویژگی‌های شخصیتی»، «راهبردهای رفتاری»، «بافت خانوادگی» و «بافت سازمانی»؛ این بدان معناست که مشارکت‌کنندگان این پژوهش زمینه‌های شغلی-خانوادگی‌ای دارند، دارای ویژگی‌های شخصیتی‌ای هستند، از باورها و افکاری متأثر هستند، تحت الشعاع احساساتی قرار می‌گیرند و/یا راهبردهایی را به انجام می‌رسانند که موجب می‌گردند در موقعیت فساد اداری قرار نگیرند و یا از ورطه آن سالم و پاک‌دست گذر کنند. در ادامه، هر یک از این مضامین اصلی شرح داده می‌شوند.

ویژگی‌های شناختی بازدارنده از فساد اداری

این مضمون اصلی اشاره به افکار و باورهایی دارد که به فرد کمک می‌کنند تا خود را از ارتکاب فساد بی‌نیاز بداند و یا با در نظرگیری عواقب چندوجهی آن نسبت به ارتکاب آن خودداری ورزد. در این مضمون دو الگو مشاهده شد که به عنوان مضامین فرعی نام گرفتند: «افکار و باورهای وارسته‌ساز» و «افکار و باورهای پیامدنگر». منظور از افکار و باورهای وارسته‌ساز، اعتقاداتی است که به فرد کمک می‌کنند نداشته‌های خود را دارای اهمیت حیاتی نداند و به آنچه دارد رضایت داشته باشد. مواردی همچون اندیشیدن به مرگ، اعتقاد به برکت مال، عدم مقایسه ذهنی سطح رفاه خود با دیگران و باور به

همگانی بودن مشکلات مالی در زمره این گرایشات قرار دارند:

کاملاً قابل درکه که فشار اقتصادی بالاست ... اما ما خودمون هم گاهی به برخی مشکلاتمون دامن می‌زنیم و قناعت نداریم. یکی دیگه از چیزایی که به من کمک می‌کنه مقایسه وضعیت خودم با گذشته خودمه و نه با وضعیت دیگران ... برخی خانوما خیلی چشم‌وهم‌چشمی می‌کنن و این مقایسه خود با دیگران ممکنه موجب بشه خودشون یا همسرشون پا توی راه خلاف بذارن و توی شغلشون کارای انحرافی انجام بدن... (خانم، ۴۴)

اغلب مواقع به این فکر می‌کنم که این تورم و فشارهای اقتصادی رو همه مردم دارن تجربه می‌کنن و فقط من نیستم. این آدم رو آرام می‌کنه و آدم خودش رو در فشار نمی‌بینه که حتماً یه کار خلافی بخواد بکنه... (آقا، ۵۱)

افکار و باورهای پیامدنگر دلالت بر اعتقادات و اندیشه‌هایی دارد که به واسطه آنها فرد با درنظرگیری عواقب فردی، اجتماعی، معنوی و وجودی فساد اداری، از ارتکاب آن خودداری می‌نماید. اندیشیدن به پیامدهای اعمال خود بر دیگران، باور به اهمیت آبرو و جایگاه اجتماعی، باور به لزوم کسب حلال، باور به حضور و نظارت خدا، باور به تاثیر پاکدستی در کسب رضایت خدا، باور به بازگشت نتیجه عمل به خود، باور به لزوم اصالت و حفظ خودپنداره، باور به غیرقابل جبران بودن انحراف در ساحت وجودی انسان، باور به نیززیدن بردن جهان بیرون به باختن جهان درون و باور به اثر فرسایشی بی‌اخلاقی بر وجود انسان در شمار این باورها قرار می‌گیرند:

من معتقد به کارما هستم. یعنی هر کاری بکنی سرت میاد. اگه خوبی کنی می‌بینی... اگه بدی کنی برای خودت اتفاق میفته. اگه من بخوام مراجعه‌کننده رو سرگردون کنم یا ارزش رشوه بگیرم، یه نفر دیگه همین کار رو با خودم یا خانوادم می‌کنه یه روز... (خانم، ۳۲)

رفتار درست کردن به معنای ضرر کردن نیست... چون اگر بردن زندگی بیرونی به

باختن زندگی درونی منجر بشه نمی ارزه... (آقا، ۳۲)

انحراف و اشتباه من اثر فرسایشی داره و من باید هزینه روانی و زمانیش رو بدم. همواره باید خودم و وجدانم رو برای اون تصمیم توجیه کنم و این در لحظه بودن و آرامش داشتن رو از من می گیره... (خانم، ۳۵)

الگوهای هیجانی بازدارنده از فساد اداری

این مضمون مشتمل بر احساساتی است که بر فاعل شناسا در پیشگیری از ارتکاب مصادیق فساد اداری تاثیر مثبت می گذارند. در این مضمون اصلی دو الگو مشاهده شد که به عنوان مضامین فرعی نام گرفتند: «هیجانات منفی بازدارنده» و «هیجانات مثبت بازدارنده». منظور از هیجانات منفی بازدارنده، احساساتی همچون احساس گناه و احساس ترس از خشم خدا و جهان آخرت است که فرد را در لحظه وسوسه دربرگرفته و موجب می شوند وی خود را از ارتکاب عمل انحرافی محفوظ بدارد:

من یه آدم مذهبی. یکی از دلایل جدا شدنم هم عدم وجود برخی تقیدات در همسرم بود. گاهی که موقعیت کار غیراخلاقی تو اداره پیش بیاد احساس ترس از خداوند و آتش جهنم موجب میشه توی اون مسیرها نرم (خانم، ۴۴)

هیجانات مثبت بازدارنده اشاره به احساسات مثبت و مطلوبی دارد که فرد در پی عدم ارتکاب فساد تجربه می کند و این محرکی برای تداوم پاک دست ماندن وی است. احساس قهرمان بودن پس از مقابله بر وسوسه و احساس عشق به پاکی از نشانه های این الگو بود:

یه زمانی یه موقعیتی بود که من می تونستم یک فاکتور خرید رو به نفع و سود خودم تغییر بدم. اما بر این وسوسه غلبه کردم و یه جور احساس قهرمان بودن کردم که بر نفس خودم پیروز شدم. این حس خیلی خوبیه و توی موارد مشابه می تونه کمک کنه. البته مهم اینه که واقعا بتونی خلاقی انجام بدی ولی انجامش ندی... (آقا، ۳۲)

من پاکی رو به خودی خود دوست دارم. پاک بودن یه لذت خاصی داره که اصلا قابل

توصیف نیست و من اصلاً نمی‌خوام با انجام کارهای تقلب‌آمیز به این احساس آسیب بخوره... (آقا، ۴۲)

ویژگی‌های شخصیتی بازدارنده از فساد اداری

این مضمون اصلی دلالت بر ویژگی‌های شخصیتی متمایزکننده در فرد دارد که احتمالاً در گرایش او به خودداری از درگیر شدن در امور فسادآلود شغلی نقش دارند؛ این مضمون اصلی متشکل از دو الگو است که به عنوان مضامین فرعی نام گرفتند: «صفات شخصیتی محافظه‌کارانه فردگرا» و «صفات شخصیتی جامعه‌یار دیگرگرا». صفات شخصیتی محافظه‌کارانه فردگرا به ویژگی‌های شخصیتی‌ای اشاره دارد که موقعیت و روان خود فرد را در نقطه امن و آرام قرار می‌دهند و متمرکز بر محافظت از خود و آرامش خود هستند؛ از صحبت‌های مشارکت‌کنندگان مواردی همچون قناعت و عدم جاه‌طلبی، باوجدان بودن، ریسک‌گریزی، امیدواری به آینده و خودکنترلی قابل برداشت بود:

من در کل آدم قانعی هستم و خیلی بلندپروازی ندارم. به زندگی ساده اما آرام و بدون تکاپو و بدود و رو ترجیح میدم. به همین دلیل زیاد دنبال مال اندوزی و ... نیستم (آقا، ۴۰)

من روی مسائل و سواس زیادی دارم. همیشه زندگی رو برای خودم و دیگران سخت می‌گیرم و معیارهای سختگیرانه دارم. همیشه همه چیز رو با استانداردها و وجدانم قضاوت می‌کنم. برای همین به خودم اجازه نمی‌دم از استانداردهای شخصیم تخلف کنم... (آقا، ۴۱)

در توصیف صفات شخصیتی جامعه‌یار دیگرگرا نیز می‌توان گفت که این صفات ناظر به ویژگی‌های شخصیتی خودفرارونده‌ای هستند که متأثر از آن‌ها فرد برای صیانت و حمایت از دیگری (ابژه‌ای غیر از خود) بر مصادیق فسادهای اداری غلبه می‌کند؛ برخی از این ویژگی‌های شخصیتی موجب می‌شوند که فرد بر پیشرفت و توسعه میهنش

متمرکز باشد (میهن دوستی)، برخی دیگر کمک می کنند فرد صیانت از انسانیت را پیش چشم داشته باشد (اخلاق گرایی و نوع دوستی) و نهایتاً برخی دیگر موجب می شوند که فرد خود را جای دیگران آسیب دیده از فساد اداری بگذارد (همدلی):

من همیشه به همکارام میگم کار بد کمش هم زیاده! من خیلی مطلق گرا هستم. این کسایی که میگن اخلاق نسبیه رو نمی فهمم. یه سریا میگن حالا یه بار اشکال نداره یا فلان موضوع خیلی اهمیتش کمه اما من میگم اخلاق مدار بودن توی زندگی خانوادگی و محل کار یه چیز جهانی و مطلقه. نمیشه آدم برای خودش تبصره درست کنه! اخلاق مداری برای کمک به انسانیت یه چیز حیاتیه... (آقا، ۴۰)

اون آدم اون بیرون که از بی اخلاقی من آسیب می بینه عین خود منه. خودم رو که جاش می ذارم، می بینم اصلاً اون خود منم! (خانم، ۳۵)

راهبردهای رفتاری بازدارنده از فساد اداری

این مضمون اصلی مشتمل بر راهبردهایی است که فاعل شناسا عامدانه به انجام می رساند و بدین طریق با احتمال بالاتری از ارتکاب مصادیق فساد اداری مصون می ماند. در این مضمون دو الگو مشاهده شد که به عنوان مضامین فرعی نام گرفتند: «راهبردهای رفع نیاز» و «راهبردهای خودمراقبتی». منظور از راهبردهای رفع نیاز راهبردهایی است که فرد به کار می گیرد تا نیازهای مادی واقعی خود را به طریق صحیح مرتفع سازد. راه اندازی یک شغل دوم خویش فرما برای تقویت اقتصادی و نیز یادگیری اصول سواد مالی و ثروت سازی از جمله این راهبردها محسوب می شوند:

به نظرم توی شرایط اقتصادی سخت، یه راه هم داشتن شغل دوم هستش. مثلاً به جای اینکه پیام توی شغل اصلیم کار خلاف کنم، یه مقدار وقت بیشتر گذاشتم و یه شغل آزاد نیمه وقت هم راه اندازی کردم برای تامین کمبودهای زندگیم... (آقا، ۳۸)

در توصیف راهبردهای خودمراقبتی نیز می توان گفت که این راهبردها ناظر به اقداماتی هستند که فرد به انجام می رساند تا فرصت های بالقوه فساد اداری بر اراده وی

تفوق پیدا نکنند؛ برخی محیط شغلی فسادآلود و محرک فساد اداری را ترک می‌کنند، برخی به صورت مداوم به پایش خویشتن می‌پردازند و برخی دیگر در بزرگراه‌ها به خود فرصت تامل بیشتری می‌دهند تا از تصمیم‌گیری زود هنگام و عجولانه پیشگیری نمایند:

شاید مدت‌ها پیش گاهی توی شغلم کم‌کاری می‌کردم و کار مفیدم کم بود اما بعدها از یه مشاور روان‌شناس یاد گرفتم که هر شب قبل از خواب بررسی کنم ببینم کارهایی که در طول روز انجام دادم در راستای اهدافم بوده یا نه، کدوم کارا خوب بوده و کدوماشون بد و غیرمفید بوده. همین کارو درباره مسائل شغلیم هم انجام میدم. باور دارم وقتی آدم توی مسیر اشتباه بیفته اشتباهاش رفته‌رفته بزرگتر میشن ... اینکه من خودم رو مدام پایش و ارزیابی می‌کنم موجب میشه حواسم به کارام باشه و خلاف اخلاق عمل نکنم (خانم، ۴۷)

باورم اینه که مغز آدم از کم شروع می‌کنه اما به کم قانع نیست. عادت میشه برای آدم... خیلی حواسم به خودم هست که همون کم رو هم برای خودم بزرگ ببینم و انجامش ندم. به قول همون ضرب‌المثل معروف، تخم مرغ دزد شتر دزد میشه! موقع تصمیم‌گیری برای هر اقدامی فرصت تامل بیشتری به خودم می‌دم و عجول نیستم و به این مسائل فکر می‌کنم (خانم، ۳۵)

بافت خانوادگی زمینه‌ساز بازداری از فساد اداری

این مضمون اصلی دلالت بر شاخصه‌های مرتبط با خانواده اصلی و خانواده هسته‌ای فرد دارد که زمینه لازم را برای پیشگیری از انحرافات اخلاقی شغلی توسط فرد مهیا می‌سازند. دو مضمون فرعی در ذیل این مضمون قرار دارند: «پرورش در خانواده ارزش‌گرا و قاعده‌مند» و «زندگی با همسری درستکار و حامی». منظور از پرورش در خانواده ارزش‌گرا و قاعده‌مند، مختصات تحول و تربیت اصولی و اخلاق‌گرای فرد در خانواده اصلی است. مرزهای مشخص در سلسله‌مراتب خانواده، آموزش و تشویق زندگی اخلاقی از سوی خانواده، اخلاق‌مدار بودن والدین و تربیت دینی در خانواده در شمار

شاخصه‌های این چنین بافت خانوادگی ای قرار می‌گیرند:

پدر و مادر من خودشون الگوی عملی زندگی اخلاقی بودن. در واقع تربیت کردنشون با حرف و دستور نبود... خودشون واقعا صادقانه و درستکارانه زندگی می‌کردن. فکر می‌کنم این خیلی مهم و موثر بود (آقا، ۴۲)

البته آموزه‌ها و تربیت دینی در خانواده هم خیلی موثره. مادر من همیشه بهم می‌گفت که مثل انسان‌های مومن و شریف زندگی کن و سعی کن هیچ وقت دروغ نگی و در حق کسی ظلم نکنی. گاهی صداهای مادرم رو توی سرم می‌شنوم و شرافت و تقوا رو از یاد نمی‌برم... (خانم، ۳۲)

مضمون فرعی دیگر، یعنی زندگی با همسری درستکار و حامی، نیز حکایت از اهمیت خانواده هسته‌ای در زمینه‌سازی پیشگیری از فساد اداری دارد. حمایت و همراهی همسر در مشکلات مالی و اهمیت درستکاری همسر و وجود تعهد متقابل با او از مشخصات این الگو بودند:

بعضی وقتا سودجودجویی‌ها و منفعت‌طلبی‌ها همش تقصیر خود فرد نیست بلکه بخشیش به خاطر فشارها و سرزنش‌های خانوادس. مثلاً اگه همسریکی مدام سرزنشش کنه و مدام بهش بگه «فلان همکارت رو ببین که همزمان با تو مشغول به کار شده بود توی اداره تون حالا چقدر وضع مادیش بهتره»، خیلی تحت فشار قرار می‌گیره. اما همسر من همیشه حامی و همراه بوده در مشکلات مالی و من تحت اینجور فشارها نبودم (آقا، ۴۹)

بافت سازمانی زمینه‌ساز بازداري از فساد اداری

مضمون اصلی دیگر مرتبط با بافت سازمانی زمینه‌ساز بازداري از فساد اداری است. منظور از این مضمون، فرهنگ، رویه‌ها و جو سازمانی حاکم بر اداره است که زمینه را برای پیشگیری از رخداد فساد از سوی کارکنان تسهیل می‌کنند و یا به عنوان مانعی در برابر وقوع فساد عمل می‌نمایند. این مضمون دربرگیرنده دو مضمون فرعی بود: «فضای پایشی سازمان» و «فضای قاعده‌مند و اخلاق‌مدار سازمان». فضای پایشی سازمان به

کارکرد وجود راهبردهای متنوع نظارتی در فضای سازمان اشاره دارد که دامنه نفوذ فرد برای اقدام فسادآلود را با محدودیت مواجه می سازند. نظارت دوره ای، نظارت تصادفی و سامانه های نظارت مستمر چندرسانه ای از جمله این مولفه ها هستند:

نظارت دوره ای توی سازمان خیلی مهمه اما موثرتر از اون نظارت تصادفیه. یعنی فرد ندونه که وضعیت عملکردش در چه دوره زمانی قراره حسابرسی بشه و به همین خاطر هر لحظه هوشیاره و مراقب تصمیمات خودش. توی اداره ما گاهی این حسابرسی های تصادفی و سرزده انجام میشه و این خیلی تاثیرگذاره... (آقا، ۳۹)

منظور از فضای قاعده مند و اخلاق مدار سازمان جوی است که در آن رهبران سازمان خود اخلاق مدار هستند، تعاملات کارکنان دارای مرزهای حرفه ای است و رعایت حقوق شهروندان در اولویت عملی فرهنگ سازمانی و منشور اخلاقی سازمان قرار دارد:

رئیس اداره ما خودش بسیار فرد متعهد و محترم و شریفه. به نظرم شرافت مدیریه اداره خیلی نکته مهمی هستش و می تونه روی همه کارکنان اثر بذاره. وقتی مدیر فاسد باشه انگار که یه مجوزی میشه که دیگران هم اگه از دستشون براومد سوءاستفاده انجام بدن از پست شغلیشون ولی مدیر که سالم باشه آدم ها بیشتر مراقب کارهاشون هستن... (آقا، ۵۱)

پرسش فاز دوم این بود که «ادراک شهروندان از اثرات فسادهای اداری بر زندگی آنها چگونه است؟». تحلیل داده های این بخش منجر به شکل گیری دو مضمون اصلی شد: «پیامدهای منفی فردی» و «پیامدهای منفی جمعی»؛ این بدان معناست که شهروندان مشارکت کننده در این پژوهش از رخداد فسادهای اداری تاثیرات نامطلوبی را در حوزه های فردی، خانوادگی و اجتماعی تجربه یا ادراک کرده اند. در زیر هر یک از این مضامین اصلی شرح داده می شوند.

پیامدهای منفی فردی فسادهای اداری در زندگی شهروندان

این مضمون اصلی اشاره به حوزه های فردی زندگی شهروند دارد که از وقوع مفاسد

اداری متاثر می‌گردند. در این مضمون چهار مقوله وجود دارند که به عنوان مضامین فرعی نام گرفتند: «پیامدهای منفی هیجانی»، «پیامدهای منفی انگیزشی»، «پیامدهای منفی اخلاقی و رفتاری» و «پیامدهای منفی اقتصادی». منظور از پیامدهای منفی هیجانی، که به کرات از سوی اغلب شهروندان مصاحبه شده به آن‌ها اشاره شده است، احساسات نامطلوبی است که ادراک فساد اداری بلافاصله یا تدریجاً در فرد ایجاد می‌نماید. احساس بی‌پناهی، احساس ناامیدی، احساس غم، احساس ترس فراگیر، احساس انزوا و احساس تنفر از کارمندان از جمله موارد مطرح شده از سوی اطلاع‌دهندگان بود:

به نظرم وقتی آدم این چیزارو می‌بینه احساس بی‌کسی و بی‌پناهی می‌کنه... وقتی توی اخبار بارها گفته فلان افراد اختلاس کردن اما هنوز که هنوزه محاکمه نشدن یا به راحتی فرار کردن یه کشور دیگه آدم احساس می‌کنه هیچ‌کس نیست حق ما مردم رو از این دزدا و اختلاس‌گرا بگیره (خانم، ۵۴)

در توصیف پیامدهای منفی انگیزشی می‌توان گفت طبق تجربه مشارکت‌کنندگان این مطالعه، ادراک فساد موجب آن می‌شود که فرد انگیزه‌ای برای ماندن در وطن یا ادامه امرارمعاش اخلاق‌مدار نداشته باشد. بنابراین، افزایش انگیزه مهاجرت و کاهش انگیزه کسب سالم در شمار پیامدهای انگیزشی شناسایی شده در تحقیق حاضر بود:

این بی‌اخلاقی‌ها و بی‌مسئولیتی‌های شغلی باعث کاهش انگیزه کسب سالم میشه. مثلاً میری می‌بینی طرف پشت میز نشسته کار نمی‌کنه و حقوق می‌گیره، داره با تلفن سازمانی با خانوادش صحبت می‌کنه، کم‌کاری می‌کنه، بیکار نشسته کار آدمو انجام نمی‌ده می‌گه برو شنبه بیا و... خوب آدم می‌گه چرا من اینقد خودمو آزار بدم تو کار خودم؟ آدم انگیزه شغلی واقعیشو از دست میده. ارباب رجوع هم بعداً میشن لنگه‌ه‌مینا تو شغل خودشون (آقا، ۳۲)

منظور از پیامدهای منفی اخلاقی و رفتاری، بروز اعمال غیراخلاقی و رفتارهای نامطلوب در شهروندان متاثر از ادراک یا تجربه مصادیق فساد در ادارات کشور است. در

اظهارات برخی پاسخ‌دهندگان اثراتی از نشانه‌هایی از قبیل پرخاشگری و سودجویی غیرمنصفانه در حرفه خود وجود داشت:

سال‌ها پیش از خود من برای اینکه کار داریم راه بیفته یه جورایی رشوه گرفتن ... من اون موقع خیلی عصبانی شدم و تصمیم گرفتم توی کار خودم این موضوع رو جبران کنم. مثلاً یه جنس رو بالاتر از قیمت واقعی به مشتری بفروشم تا اون ضرری که اونا به من زدن رو جبران کنم. این ماجرا تمومی نداره. با بی‌مسئولیتی‌های آقایون مردم هم بی‌اخلاق شدن و همه دارن از هم دیگه می‌کنن... (آقا، ۳۹)

پیامدهای منفی اقتصادی به موضوع فقر و مشکلات مالی اشاره دارد که به باور شهروند دچار آن یکی از عوامل آن فساد اداری و اقتصادی است:

خوب این فسادایی که انجام میدن باعث تبعیض میشه و تبعیض باعث فقر و مشکلات مالی میشه. یعنی یه سریاً راحت‌تر پیشرفت می‌کنند و ثروتمند میشن و یه سری دیگه چون موقعیت شغل و وام و روابط براشون فراهم نیست فقیر میشن... (آقا، ۴۲)

پیامدهای منفی جمعی فسادهای اداری در زندگی شهروندان

این مضمون دربرگیرنده پیامدهای نامطلوب ادراک‌شده فسادهای اداری در حوزه‌های خانوادگی و اجتماعی شهروندان است. «پیامدهای منفی مرتبط با تشکیل و پایداری خانواده» و «پیامدهای منفی اجتماعی» مضامین فرعی این مضمون اصلی هستند. پیامدهای منفی مرتبط با تشکیل و پایداری خانواده آثار نامطلوبی است که فسادهای اداری می‌توانند در شکل‌گیری خانواده و پایداری آن بر جای گذارند. از نظر مشارکت‌کنندگان پژوهش، دشوار شدن امکان ازدواج برای جوانان و حتی افزایش احتمال برخی طلاق‌ها می‌توانند نتیجه مستقیم یا غیرمستقیم برخی فسادهای اداری باشند:

یه سری جوون به خاطر اینکه آشنا ندارن نمی‌تونن وام بگیرن یا نوبت وامشون خیلی به تاخیر میفته و نمی‌تونن خونه بخرن یا اجاره کنن و این ممکنه باعث بشه تا سنین

میان سالی نتونن ازدواج کنن و تشکیل خانواده بدن (آقا، ۴۲)

پیامدهای منفی اجتماعی به آثار نامطلوبی اشاره دارد که فسادهای اداری در سطح جامعه بر جای می‌گذارند و در اینجا تاکید بیشتر بر کاهش اعتماد عمومی به دولت است:

دولت ما اهداف خوبی داره ولی این اهداف رو باید مدیران میانی و کارکنان سطح پایین اجرایی کنن. اما وقتی اون‌ها درست عمل نمی‌کنن و فساد می‌کنن، مردم از تمامیت دولت و حاکمیت ناراضی میشن... در واقع به خاطر همین بی‌اخلاقی‌های مدیران و کارکنان، ما اعتمادمونو به کل سیستم حکمرانی از دست میدیم (آقا، ۳۳)

تلفیق و یکپارچه‌سازی عوامل شناسایی شده در فازهای قبلی منجر به طراحی یک الگوی اولیه شد. عوامل توصیفی و تبیینی شناسایی شده بر اساس ماهیت آن‌ها و نیز کسب نظرات دو متخصص حوزه مشاوره و روان‌شناسی به ابعاد و مولفه‌هایی عملیاتی و تجویزی در ساختار این الگوی اولیه مبدل شدند. مطابق شکل ۱، نسخه مقدماتی «الگوی پیشگیری از فساد اداری مبتنی بر سبب‌شناسی روانی-زمینه‌ای و بازنمایی اثرات فسادهای اداری بر زندگی شهروندان» پنج بعد و ۱۲ مولفه دارد.

شکل ۱. نسخه مقدماتی الگوی پیشگیری از فساد اداری



جهت اصلاح و تأیید الگو، از روش اعتباریابی درونی (صوری و محتوایی) استفاده شد که در آن الگوی طراحی شده از سوی متخصصان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در دور اول دلفی، ضمن ارائه الگوی مقدماتی و شرح کلیه ابعاد و مؤلفه‌های آن به متخصصان، از ایشان درخواست شد تا توافق یا عدم توافق خود با هر یک از مؤلفه‌ها را در پرسشنامه درج کنند. به علاوه، از طریق پرسش‌های بازپاسخ نسبت به دریافت نظرات و پیشنهادهای گروه خبرگان در مورد فرم و محتوای الگوی مقدماتی اقدام گردید. میزان توافق ارزیابان با مؤلفه‌های الگوی مقدماتی در جدول ۱ و فهرست پیشنهادهای آن‌ها در جدول ۲ آمده است.

جدول ۱. میزان توافق ارزیابان با مؤلفه‌های الگوی مقدماتی پیشگیری از فساد اداری

ابعاد	مؤلفه‌ها	موافق		نیاز به بازبینی		مخالف	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
انتخاب و انتصاب مناسب	توجه به زمینه شخصیتی فرد	۵	۶۳	۳	۳۷	۰	۰
	توجه به زمینه خانوادگی فرد	۶	۷۵	۰	۰	۲۵	۲
مداخلات مشاوره‌ای فردی و گروهی	تسهیل خودکنترلی از طریق باورهای وارسته‌ساز	۵	۶۳	۳	۳۷	۰	۰
	تسهیل خودکنترلی از طریق باورهای پیام‌نگر خودگرا و دیگرگرا	۸	۱۰۰	۰	۰	۰	۰
	تسهیل خودکنترلی از طریق فراخوانی هیجانات مثبت و منفی	۳	۳۷	۰	۰	۵	۶۳
	آموزش راهبردهای رفع نیاز	۶	۷۵	۲	۲۵	۰	۰
آموزش راهبردهای رفتاری	آموزش راهبردهای خودمراقبتی	۷	۸۸	۰	۰	۱	۱۲
	تقویت جدیت و مرزها در تعاملات کارکنان	۵	۶۳	۲	۲۵	۱	۱۲
اصلاح و ارتقای فرهنگ سازمانی	تقویت فرهنگ سازمانی حامی حقوق شهروندان	۶	۷۵	۲	۲۵	۰	۰

ابعاد	مؤلفه‌ها	موافق		نیاز به بازبینی		مخالف	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
نظارت	نظارت تصادفی	۷	۸۸	۰	۰	۱	۱۲
	نظارت دوره‌ای	۵	۶۳	۲	۲۵	۱	۱۲
	نظارت چندرسانه‌ای	۶	۷۵	۰	۰	۲	۲۵

جدول ۲. پیشنهاد‌های اصلی مطرح شده از سوی هیئت خبرگان

پیشنهاد	نتیجه
در بعد «نظارت»، علاوه بر خود عمل نظارت، وجود مؤلفه‌های دیگری تحت عنوان تشویق و تنبیه که نتیجه همان عمل نظارت است ضروری می‌نماید.	دو مؤلفه «تشویق اخلاق مداری‌ها» و «مجازات بی‌اخلاقی‌ها» به بعد نظارت اضافه شد و نام بعد به «نظارت و بازخورد» تغییر یافت.
مؤلفه «تسهیل خودکنترلی از طریق فراخوانی هیجانات مثبت و منفی» قابلیت اجرایی ندارد چراکه احساسات ماهیت لحظه‌ای و خودجوش دارند و وابسته به موقعیت واقعی هستند.	این مؤلفه از الگو حذف شد.

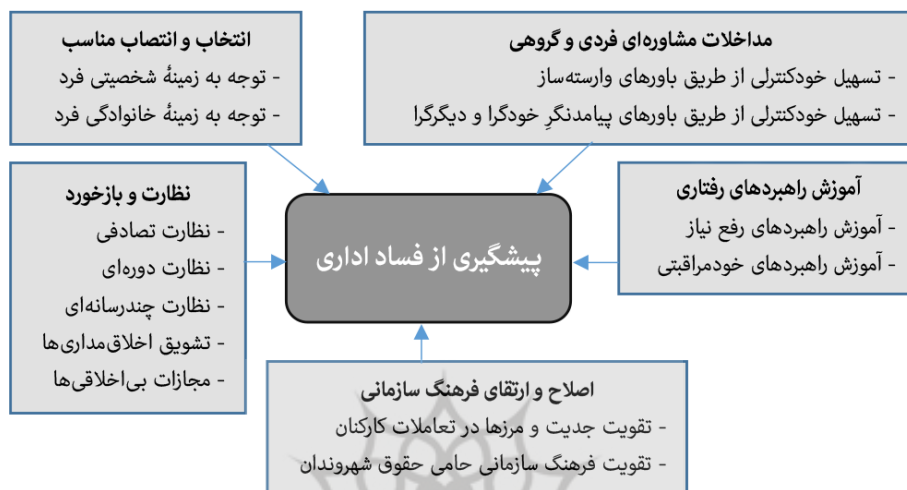
مطابق جدول ۱، اعضای پنل خبرگان با شاکله اصلی الگو موافق بوده‌اند. درصد توافق بالای ۶۰ در این مرحله دلفی به منزله مناسب بودن مؤلفه جهت باقی ماندن در الگو محسوب می‌گردد (دالکی و هلمر^۱، ۱۹۶۳). بنابراین، یک مؤلفه (تسهیل خودکنترلی از طریق فراخوانی هیجانات مثبت و منفی) از الگو حذف شد. در ادامه، جهت افزایش اعتبار محتوایی و صوری، ضمن مشورت با اعضای پنل و با درنظرگیری پیشنهادات ارائه شده، در مورد ابعاد و مؤلفه‌ها بازبینی به عمل آمد. در دور دوم دلفی، ضمن ارائه الگوی تجدیدنظرشده به متخصصان و اعلام تغییرات و نیز شفاف سازی ابهامات، از ایشان درخواست شد تا مجدداً توافق یا عدم توافق خود با هر یک از مؤلفه‌ها را در پرسشنامه درج کنند. جدول ۳ حاوی میزان توافق ارزیابان با مؤلفه‌های الگوی اصلاح شده است.

جدول ۳. میزان توافق ارزیابان با مولفه‌های الگوی تجدیدنظرشده پیشگیری از فساد اداری

ابعاد	مولفه‌ها	موافق	نیاز به بازبینی	مخالف
		فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد
انتخاب و انتصاب	توجه به زمینه شخصیتی فرد	۷	۸۸	۱
مناسب	توجه به زمینه خانوادگی فرد	۷	۸۸	۰
مداخلات	تسهیل خودکنترلی از طریق باورهای وارسته ساز	۷	۸۸	۱
مشاوره‌ای فردی و گروهی	تسهیل خودکنترلی از طریق باورهای پیامدنگر خودگرا و دیگرگرا	۸	۱۰۰	۰
آموزش راهبردهای رفتاری	آموزش راهبردهای رفع نیاز	۸	۱۰۰	۰
	آموزش راهبردهای خودمراقبتی	۷	۸۸	۱
اصلاح و ارتقای فرهنگ سازمانی	تقویت جدیت و مرزها در تعاملات کارکنان	۷	۸۸	۱
	تقویت فرهنگ سازمانی حامی حقوق شهروندان	۸	۱۰۰	۰
نظارت و بازخورد	نظارت تصادفی	۷	۸۸	۱
	نظارت دوره‌ای	۷	۸۸	۱
	نظارت چندرسانه‌ای	۷	۸۸	۱
	تشویق اخلاق مداری‌ها	۸	۱۰۰	۰
	مجازات بی اخلاقی‌ها	۸	۱۰۰	۰
موافقت کلی با الگو	-	۷/۳۸	۹۲/۶۱	۰/۳۸
		۲/۷۷	۴/۶۱	۰/۲۳

مطابق جدول ۳، میزان توافق کلی اعضای پنل خبرگان با الگوی تجدیدنظرشده ۹۲/۶۱ درصد می‌باشد. همچنین توافق آن‌ها با تک تک مولفه‌های الگو نیز ۸۸ درصد یا بالاتر است و این موید اعتبار الگوی پیشگیری از فساد اداری می‌باشد. قابل ذکر است که در منابع روش شناختی، توافق بالای ۸۰ درصد در این مرحله مورد قبول بوده و توافق

مطلوب در نظر گرفته می‌شود (تاباکنیک و فیدل^۱، ۲۰۱۲). بنابراین، الگوی پیشگیری از فساد اداری با پنج بعد و ۱۳ مولفه نهایی شد. نسخه نهایی الگو در شکل ۲ آمده است.



شکل ۲. نسخه نهایی مدل پیشگیری از فساد اداری

یکی از ابعاد این الگو «انتخاب و انتصاب مناسب» است که شامل دو مولفه «توجه به زمینه شخصیتی فرد» و «توجه به زمینه خانوادگی فرد» می‌باشد. در اینجا منظور از انتخاب و انتصاب مناسب آن است که در فرایندها و غربالگری‌های استخدام و انتصاب شغلی کارکنان، زمینه شخصیتی و خانوادگی آن‌ها در نظر گرفته شوند. برخی شاخص‌های مربوط به این زمینه‌ها که موجب پیشگیری از فساد اداری می‌گردند در این پژوهش شناسایی و پیش‌تر معرفی شدند. بعد دیگر این الگو «مداخلات مشاوره‌ای فردی و گروهی» نام دارد که دربرگیرنده دو مولفه «تسهیل خودکنترلی از طریق باورهای وارسته‌ساز» و «تسهیل خودکنترلی از طریق باورهای پیامدنگر خودگرا و دیگرگرا» است. در اینجا منظور از مداخلات مشاوره‌ای این است که طی جلسات فردی و گروهی با

کارکنان تسهیل‌گری‌هایی صورت پذیرد تا آنان بتوانند افکار و عقاید وارسته‌ساز را در خود تقویت کنند و نسبت به گستره و عمق پیامدهای بی‌اخلاقی شغلی خود برای خودشان و دیگران آشنا و آگاه شوند. برخی نشانگرهای مرتبط با این مولفه‌ها طی مطالعه حاضر شناسایی و پیش‌تر ذکر شدند. بعد دیگر این الگو «آموزش راهبردهای رفتاری» می‌باشد که مشتمل بر دو مولفه «آموزش راهبردهای رفع نیاز» و «آموزش راهبردهای خودمراقبتی» است. آموزش راهبردهای رفتاری در این الگو اشاره به آن دارد که کارکنان در ضمن خدمت آموزش‌های مستقیمی در حوزه‌های رفع نیازها و نیز خودمراقبتی و خودپایشی ببینند. در یافته‌های تحقیق حاضر، به برخی از شاخص‌های این مولفه‌ها که موجب پیشگیری از فساد اداری می‌گردند، اشاره گردید. «اصلاح و ارتقای فرهنگ سازمانی» از دیگر ابعاد این الگو بود. این بعد دارای دو مولفه «تقویت جدیت و مرزها در تعاملات کارکنان» و «تقویت فرهنگ سازمانی حامی حقوق شهروندان» است. نشانگرهایی برای این مولفه‌ها در فصل حاضر ذکر گردیده است. در نهایت، بعد دیگر این الگو تحت عنوان «نظارت و بازخورد» صورت‌بندی شده است. این بعد پنج مولفه «نظارت تصادفی»، «نظارت دوره‌ای»، «نظارت چندرسانه‌ای»، «تشویق اخلاق‌مداری‌ها» و «مجازات بی‌اخلاقی‌ها» را شامل می‌شود و بر کنترل دقیق و چندوجهی عملکرد، اعمال و رفتار کارکنان و نیز پاسخ‌دهی متناسب با شیوه عمل آنان دلالت دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر تعیین ابعاد و مولفه‌های «الگوی پیشگیری از فساد اداری مبتنی بر سبب‌شناسی روانی-زمینه‌ای و بازنمایی اثرات فسادهای اداری بر زندگی شهروندان» بود. یافته‌های مطالعه نشان داد که افکار و باورهای پیامدنگر در پیشگیری از فساد اداری موثرند. باور به لزوم اصالت و حفظ خودپنداره و هویت متمایز، باور به غیرقابل‌جبران بودن انحراف در ساحت وجودی انسان، باور به نیززیدن بردن جهان بیرون به باختن جهان درون و باور به اثر فرسایشی بی‌اخلاقی بر وجود انسان از جمله این باورها

بود که مشابه آن‌ها در نتایج مطالعات دانینگ^۱ (۲۰۰۷) مشاهده شده است. طبق نظریه جبران اخلاقی، رفتار اخلاقی ناشی از تمایل به حفظ تصویر فرد است. افراد برای بازگرداندن تصویر خود جبران می‌کنند (دانینگ، ۲۰۰۷). در زمینه رفتار جبرانی، این نظریه بر آن است که یک عمل غیراخلاقی اولیه، ارزش شخصی فرد را به خطر می‌اندازد و متعاقباً او را جهت دنبال کردن عمل اخلاقی ترمیم‌کننده خود تحریک می‌کند. در مطالعه حاضر، مشارکت‌کنندگان به لزوم اصالت و حفظ خودپنداره و هویت متمایز و نیز غیرقابل جبران بودن انحراف در ساحت وجودی انسان معتقد بوده‌اند و این احتمالاً موجب آن شده است که از افتادن در ورطه فساد خودداری کنند.

اندیشیدن به پیامدهای اعمال خود و باور به اهمیت آبرو از دیگر نشانگرهای افکار و باورهای پیامدنگر بود که در این مطالعه شناسایی گردید. این یافته با نتایج پژوهش لیانجو و لویان^۲ (۲۰۱۱)، در اینکه ترس از پیامدها موجب خودداری بیشتر از ارتکاب فساد می‌گردد، همسو است. طبق نظریه عقلانیت فردی، تصمیم به فساد متأثر از نتیجه محاسبات عقلانی هزینه‌ها و سودها می‌باشد. اینگونه مفسده‌ها زمانی متوقف می‌شود که خطر آن‌ها بیشتر از پاداش بالقوه آن‌ها باشد (لیانجو و لویان، ۲۰۱۱). مشارکت‌کنندگان احتمالاً متأثر از مواردی همچون اندیشیدن به پیامدهای اعمال خود بر دیگران و در نظرگیری جایگاه اجتماعی خود، پیامدهای ارتکاب فساد را در ذهن داشته و در سنجش اعمال خود مورد توجه قرار داده‌اند. باور به لزوم کسب حلال، باور به نظارت خدا و باور به تاثیر پاکدستی در کسب رضایت خدا نیز به عنوان نشانه‌هایی از باورهای پیامدنگر در مطالعه حاضر یافت شدند که به نوعی بیانگر ایمان و داشتن تقوای الهی هستند. این یافته با مطالعات عثمان و همکاران^۳ (۲۰۱۴)، خادم و حمایت‌خواه (۱۳۹۹) و فرهادی‌نژاد (۱۳۹۹) که سطح پایین ایمان را از جمله عوامل رخداد فساد شناسایی

1. Dunning

2. Lianju, & Luyan

3. Othman, et al

کردند، همخوان است. به نظر می‌رسد پابندی به دین منجر به ایجاد انتظارات مرتبط با نقش‌های مذهبی شده و بروز رفتار اخلاقی را تسهیل می‌کند.

باور به بازگشت نتیجه عمل به خود یکی دیگر از باورهای پیامدنگر موثر در پیشگیری از فساد بود که در مطالعه حاضر شناسایی شد. تا آنجا که پژوهشگران اطلاع دارند، تاکنون در مطالعات پیشین به یافته‌ای مشابه با این یافته اشاره نشده است. در تبیین آن می‌توان از زمینه فرهنگی ایرانی- اسلامی مشارکت‌کنندگان بهره جست. ایرانیان همواره به ادبیات غنی خود می‌بالند و شاعران ایرانی را دوست دارند و شعرهایشان را می‌خوانند (احمدی و همکاران^۱، ۲۰۲۳؛ احمدی و همکاران، ۲۰۲۲). دین رسمی کشور نیز اسلام شیعی بوده و این فرهنگ دینی قرن‌هاست که در گستره تاریخ این سرزمین جریان دارد. باور به بازگشت نتیجه عمل به خود با مفهوم «کارما» در آیین هندو نیز قرابت بالایی دارد. اما می‌توان نشانه‌هایی از آن را در برخی آثار مهم ادبیات فارسی نیز سراغ گرفت (زندى، ۱۴۰۲)^۲.

ضرب‌المثل‌های متعددی همچون «هرچی بریزی تو آشت، همون میاد تو کاست»، «هر چه بکاری برداشت می‌کنی»، «از هر دست بدهی از همان دست پس می‌گیری»، «چاه‌کن همیشه ته چاه است» و «هر چه کنی به خود کنی، گر همه نیک و بد کنی» نیز شاهدی بر این عنصر فرهنگی هستند. در آموزه‌های اسلامی نیز اشارات متعددی به این مفهوم وجود دارد. در قرآن کریم، آیه ۷ سوره اسراء: «اگر نیکی و احسان کردید به خود کرده‌اید و اگر بدی و ستم کردید باز به خود کرده‌اید...». آیات ۷ و ۸ سوره زلزال نیز چنین

1. Ahmadi, et al

۲. به عنوان نمونه، مولانا در مثنوی معنوی می‌سراید:

می‌ندانند که نخسپد خون من	آنک کشتستم پی مادون من
خون چون من کس، چنین ضایع کی است؟	بر منست امروز و فردا بروی است
بازگردد سوی او آن سایه باز؛	گر چه دیوار افکند سایه دراز
سوی ما آید ندهاها را صدا	این جهان کوهست و فعل ماندا

اشارتی دارند: «پس هر کس به قدر ذره‌ای کار نیک کرده باشد (پاداش) آن را خواهد دید. و هر کس به قدر ذره‌ای کار زشتی مرتکب شده آن هم به کیفرش خواهد رسید».

نحوه نگاه افراد به جهان تا حدی بر اساس جامعه‌پذیری آن‌ها در فرهنگی است که در آن پرورش یافته‌اند. در اینجا با به کارگیری یک عینک فرهنگی ملاحظه شد که «باور به بازگشت نتیجه عمل به خود» به عنوان عامل پیشگیری از ارتکاب جرائم مرتبط با فساد اداری می‌تواند متاثر از میراث فرهنگی مشارکت‌کنندگان در مطالعه باشد. البته از نظر نباید دور داشت که وجود مولفه‌های فرهنگی غنی بالقوه در یک جامعه به خودی خود کافی نیست و اینکه آموزه‌های فرهنگی چگونه به افراد منتقل می‌شوند و افراد چگونه آن‌ها را درونی و بالفعل می‌کنند اهمیتی وافر دارد.

یافته‌های پژوهش همچنین نشان داد که باورهای وارسته‌ساز در پیشگیری از فساد اداری اثربخش هستند. اندیشیدن به مرگ، اعتقاد به برکت مال، عدم مقایسه ذهنی سطح رفاه خود با دیگران و باور به همگانی بودن مشکلات مالی در زمره این باورها جای دارند. مرگ آگاهی می‌تواند افراد را به سوی انجام اعمال درست حرکت داده و گرایش آن‌ها به سوی اقدامات غیراخلاقی را کاهش می‌دهد (زند و همکاران، ۱۳۹۹). یاد مرگ احتمالاً موجب می‌شود که آدمیان به دنیا و فخر فروشی در آن آنچنان دل نبندند و به زیور آن فریفته نشوند؛ و از سختی آن گلایه نکنند؛ زیرا همه این‌ها روزی از بین می‌روند.

در تبیین نقش «عدم مقایسه ذهنی سطح رفاه خود با دیگران» و «باور به همگانی بودن مشکلات مالی» در پیشگیری از فساد اداری می‌توان گفت سطح ادراک فقر احتمالاً در فرایند مقایسه زندگی خود با جنبه‌های گوناگون یک زندگی مرفه تشدید می‌یابد و حتی در مواقعی که به کارکنان حق الزحمه خوبی پرداخت می‌شود، از آن جاکه احساس نیاز بیش از واقعیت، تابع ذهنیت است، ممکن است کارکنان خود را با کارکنان سازمان دیگری که نسبت به ایشان از حقوق دریافتی بیشتری برخوردار هستند، مقایسه نمایند

(پنگ^۱، ۲۰۲۱)؛ و در اثر چنین مقایسه‌ای و ناتوانی به پاسخ‌گویی به نیازهای بی‌حدوحصر انسانی، فکر کنند که از حقوق کمی برخوردارند و این عامل توجیه ایشان در انجام اقدامات خارج از ضوابط اخلاقی و قانونی باشد.

یافته‌ها نشان داد که صفات شخصیتی جامعه‌یار دیگرگرا در مشارکت‌کنندگان در مطالعه به صورت بالقوه موجب پیشگیری از فساد اداری می‌گردند؛ اخلاق‌گرایی، میهن‌دوستی، نوع‌دوستی و همدلی از جمله این ویژگی‌ها بودند. این یافته با نتایج مطالعه تیان^۲ (۲۰۰۸) که نشان داد نسبی‌گرایی اخلاقی با رشوه‌خواری همبستگی مثبت دارد، همسو است. در مطالعه حاضر نیز اهمیت اخلاق‌گرایی با تاکید بر مطلق‌گرایی اخلاقی که یادآور اخلاق وظیفه‌گراست در گفته‌های مشارکت‌کنندگان مشاهده شد. همچنین، این یافته با نتیجه مطالعه هانسن^۳ (۲۰۱۹)، که نشان داد افراد جامعه‌یار احتمال کمتری دارد که مرتکب فساد و تقلب شوند، همسو است. این افراد احتمالاً به علت دغدغه‌مندی و علاقه اجتماعی بالاتر آسیب‌هایی که کشورشان و نیز سایر انسان‌ها به واسطه رخداد فساد متحمل می‌شوند را بیشتر مورد توجه قرار می‌دهند و برای مراقبت از میهن و هم‌نوعان خود از ارتکاب فساد خودداری می‌کنند. فساد موقعیتی است که در آن منفعت فرد در کوتاه‌مدت با منافع جمع در بلندمدت مقابل هم قرار می‌گیرند (زندى، ۱۴۰۲). در فساد فرد قدرتمند با تعارض بین سوءاستفاده از قدرت و استفاده مسئولانه از آن مواجه می‌شود. به عبارت دیگر، فرد بین اینکه مرتکب فساد (سوءاستفاده از قدرت) شود یا خیر قرار می‌گیرد که در صورت ارتکاب فساد در خدمت منافع شخصی کوتاه‌مدتش می‌شود و درغیراین صورت یعنی عدم فساد (استفاده مسئولانه از قدرت) در خدمت منافع جمعی در بلندمدت قرار می‌گیرد.

به علاوه، نتایج این مطالعه نشان داد که از نگاه مشارکت‌کنندگان در پژوهش

1. Peng

2. Tian

3. Hansen

راهبردهای خودمراقبتی در پیشگیری از ارتکاب فساد اداری موثر هستند؛ خروج از موقعیت شغلی محرک فساد، خودپایی مستمر، فرصت تامل به خود دادن و عدم تصمیم‌گیری زودهنگام در زمره این راهبردها هستند. کارکرد خودپایی مستمر در پیشگیری از فساد اداری را می‌توان از طریق نظریه سرایش لغزنده (کویس و همکاران^۱، ۲۰۱۷) تبیین نمود. در فرضیه «سرایش لغزنده» رفتار فاسد، اعمال کوچک و جرائم کوچک تدریجا منجر به اعمال بزرگ‌تر می‌شوند. فساد به یک «سرایشی» تشبیه می‌شود که وقتی فرد شروع کرد، به تدریج سرعت می‌گیرد و فاسد و فاسدتر می‌شود. بنابراین، اطلاع‌دهندگان مطالعه حاضر با کاربست راهبرد خودپایی مستمر احتمالاً مراقبت ویژه‌ای نسبت به خود داشته‌اند تا وارد این سرایش نشوند. به علاوه، «فرصت تامل به خود دادن و عدم تصمیم‌گیری زودهنگام» راهبرد دیگری است که به فرد کمک می‌کند کمتر در دام رهیافت‌های آنی بیفتد. از نظر رانگونه^۲ (۲۰۱۶)، برخی عوامل شناختی پنهان در فرایند فساد دخیلند که می‌بایست در نظر گرفته شوند. عقلانیت گنجایش محدودی برای ارزیابی خطرات و احتمالات دارد؛ معمولا بیش از حد خوشبینانه بوده و توسط سوگیری‌ها و رهیافت‌های آنی هدایت می‌شود. افراد اغلب رغبتی به بازاندیشی تصمیمات خود ندارند یا آن را به تعویق می‌اندازند.

مطالعه کنونی برخی از عوامل روانی-زمینه‌ای موثر در پیشگیری از فساد اداری را از نگاه گروهی کوچک از کارکنان بخش عمومی در تهران شناسایی نمود. در مجموع، به نظر می‌رسد که در صورت وجود نیاز مالی و فرصت ارتکاب فساد، آنچه می‌تواند در خودکنترلی و خویشتن‌داری به فرد کمک کند مجموعه‌ای از مولفه‌های فردی-روانی (از جمله شناخت‌ها، هیجانات، راهبردهای رفتاری و ویژگی‌های شخصیتی) و عوامل موقعیتی-زمینه‌ای (بافت خانوادگی و بافت سازمانی) است. بر مبنای این عوامل و زمینه‌ها می‌توان راه‌هایی را شناسایی کرد که اثر بیشتری در کاهش و حذف پدیده فساد

1. Köbis, et al

2. Rangone

اداری در سازمان‌ها دارند. عامل بافت خانوادگی اهمیت نقش فرزندپروری اخلاق محور (دهدست و اسمعیلی، ۱۳۹۹) در پیشگیری از فساد در ایران را بیش از پیش نمایان می‌سازد. این مطالعه همچنین برخی پیامدهای نامطلوب ادراک شده رخدادهای فسادهای اداری در زندگی شهروندان را آشکار ساخت. از جمله یافته‌های جالب در این زمینه اثرپذیری منفی نهاد خانواده از رخدادهای فساد اداری بود و این نشان‌دهنده نقش مهم و بالقوه کیفیت فضای اداری کشور در اکولوژی (بوم‌شناسی) و پویایی خانواده است. در نهایت، یک مدل پیشنهادی برای پیشگیری از فساد اداری طراحی، اعتباریابی و ارائه گردید. کوشش شد تا نتایج از طریق نظریه‌های مربوطه، استدلال‌های منطقی و نیز مولفه‌های فرهنگی توضیح داده شوند. این پژوهش صرفاً تلاشی کوچک جهت شناسایی نقش احتمالی عوامل فردی و محیطی در پیشگیری از فساد اداری، روشن‌سازی ابعاد پیامدهای فساد در زندگی شهروندان و تعیین ابعاد یک مدل پیشنهادی پیشگیری از فساد اداری بوده است. این مطالعه، با کشف اینکه گروهی از پرسنل خدمات عمومی متأثر از چه عواملی از ارتکاب فساد اداری ممکن‌الوصول خودداری می‌کنند، احتمالاً به غنی‌سازی دانش در مورد این موضوع کمک کند. پیشینه تحقیق در رابطه با فساد اداری اغلب بر جنبه کلان متمرکز بوده‌اند و زاویه خرد (سبب‌شناسی متمرکز بر دیدگاه فردی) کمتر به صورت ویژه مورد توجه بوده است. در اندک مطالعات موجود نیز از مشارکت «مرتکبین فساد» بهره گرفته شده است و لذا رویکرد مطالعه حاضر در استفاده از «غیرمرتکبین فساد» به عنوان نمونه پژوهش و اتخاذ دیدگاهی مثبت‌نگر و پیشگیرانه در نوع خود نوآورانه بوده است. امید است این مطالعه به افزایش عمق و گستره ادبیات مدیریت فساد اداری و اخلاق شغلی کمک کند و به مسئولان بینش‌هایی دهد تا در زمینه هرچه پاک‌تر کردن نظام اداری کشور از فساد اداری اهتمام موثرتری ورزند.

اصلی‌ترین محدودیت این پژوهش مربوط به استفاده از نمونه‌های دردسترس می‌باشد. به علاوه، با توجه به نمونه‌گیری از طریق اعلام فراخوان، یافته‌ها بیانگر تجربه کسانی که فراخوان را ندیده‌اند یا تمایلی به داوطلبی نداشته‌اند، نیستند. به دلیل

حساسیت موضوع مورد مطالعه، احتمالاً برخی از کسانی که می‌توانستند به طور بالقوه داوطلب شرکت در مطالعه باشند، ابراز تمایل نداشته‌اند. از سوی دیگر، نمونه فاز اول تحقیق از یک سازمان واحد نبوده‌اند و از لحاظ ماهیت شغلی و سازمان محل کار همگن نبوده‌اند. ما پتانسیل سوگیری مطلوبیت اجتماعی را نیز در این فاز به رسمیت می‌شناسیم و البته این موضوعی رایج در تحقیقات مربوط به رفتارهای خودگزارش‌دهی، به ویژه رفتارهایی با ماهیت حساس مانند فساد است. با توجه به کیفی بودن ماهیت برخی فازهای تحقیق و نیز محدودیت‌های ذکر شده، یافته‌های حاضر قابل تعمیم نمی‌باشد. پیشنهاد می‌گردد در تحقیقات آتی به سنجش اعتبار بیرونی الگوی ارائه شده در مطالعه حاضر نیز پرداخته شود. با تبدیل این الگو به یک برنامه مقدماتی و سنجش اثربخشی آن برنامه طی مطالعات طولی می‌توان به این مهم دست یافت. توصیه می‌گردد بررسی شود آیا پیامدهای فساد اداری در گروه‌های مختلف شهروندان از نظر جنسیت، سن، تحصیلات، درآمد، قومیت و مذهب متفاوت است یا خیر. مطالعات پیمایشی می‌توانند پراکنش این پیامدها را نشان دهند.

ملاحظات اخلاقی پژوهش: طرح این پژوهش مصوب تحصیلات تکمیلی دانشگاه علامه طباطبائی بوده و از سوی کمیته اخلاق در پژوهش این دانشگاه نیز مورد تأیید قرار گرفته است (کد اخلاق: IR.ATU.REC.1399.077).

سهام نویسندگان: نویسنده اول مسئول اجرای پژوهش، تحلیل داده‌ها و نگارش گزارش مطالعه بوده است. نویسنده دوم در ایده‌پردازی، بازخوانی متون و نظارت تحقیق نقش داشته است. نویسنده سوم در بازخوانی و اصلاح مقاله مشارکت داشته است.

حمایت مالی: این پژوهش بدون حمایت مالی انجام گرفته است.

تعارض منافع: به اعلام نویسندگان، تضاد منافی در این مطالعه وجود ندارد.

قدردانی: این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول است. بدین وسیله از مشارکت کنندگان در پژوهش قدردانی می‌گردد.

منابع

الوانی، سیدمهدی. و اسلام پناه، مهدی. (۱۳۹۷). طراحی مدل بازدارنده فساد اداری با اتکا به آموزه‌های نهج البلاغه. مدیریت در دانشگاه اسلامی، ۷(۱۵)، ۱۴۷-۱۶۲.

ایجاد، جلال. (۲۰۱۴). جامعه‌شناسی آسیب‌ها و دگرگونی‌های جامعه ایران. لندن: اچ اند اس مدیا.

بهشتی، سیدصمد. و خانمحمدی، احسان. (۱۳۹۹). بررسی وضعیت ادراک از فساد و عوامل مرتبط با آن: مطالعه شهروندان شهر سرپل ذهاب. جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۱(۴)، ۴۵-۷۲.

Doi:10.22108/jas.2020.113537.1517

توکلی شیرازی، پرویز. (۱۳۹۸). روان‌شناسی و آسیب‌شناسی فساد، پولشویی، جنایت و تروریسم. تهران: البرز فردانش.

حسینی هاشم‌زاده، داود. (۱۳۹۹). فساد دانشگاهی: گونه‌شناسی، روش سنجش، علل، پیامدها و راهبردهای مبارزه با آن. تهران: آگاه.

خادم، حامده. و حمایت‌خواه، مجتبی. (۱۳۹۹). پیمایشی بر روابط دینداری و اخلاق کار. پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، ۹(۱۶)، ۹۳-۱۱۶.

Doi: 10.22084/csr.2020.19698.1682

خلیلی پاجی، عارف. (۱۳۹۶). پیشگیری از فساد مالی و اداری. تهران: خرسندی.

دهدست، کوثر. و اسمعیلی، معصومه. (۱۳۹۹). فرزندپروری اخلاق محور: تعریف، مبانی و اصول تربیتی مبتنی بر آرای علامه طباطبائی. پژوهش‌های مشاوره، ۱۹(۷۵)، ۲۹۰-۳۲۶.

Doi: 10.29252/jcr.19.75.290

راغفر، حسین. (۱۳۹۲ آذر). «فساد دولتی در ایران افزایش یافته؟». اقتصاد آنلاین.

رستمی، ولی.، کبگانی، حسن. و طالبی‌زاده، معین. (۱۳۹۶). بررسی علل بروز و روشهای پیشگیری از فساد اداری. رهیافت پیشگیری، ۲۳(۲)، ۴۸-۲۳.

زرنی، سعید. و واعظی، رضا. (۱۳۹۸). الگوی جامع مبارزه با فساد اداری بر مبنای محیط بومی ایران. پژوهش‌های مدیریت عمومی، ۱۲(۴۵)، ۸۵-۱۰۸.

Doi: 10.22111/jmr.2019.5141

زرنی، سعید. (۱۴۰۲). طراحی و اعتباریابی الگوی پیشگیری از فساد اداری مبتنی بر سبب‌شناسی روانی-زمینه‌ای و بازنمایی اثرات فسادهای اداری بر زندگی شهروندان. رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

زرنی، سعید، رحیمی، علیرضا. و موسوی‌نسل، مریم‌سادات. (۱۳۹۹). پیامدهای مرگ‌آگاهی در زندگی نوجوانان: یک مطالعه کیفی. فصلنامه پژوهش‌های مشاوره، ۱۹(۷۶)، ۲۰۹-۲۳۳.

Doi:10.29252/jcr.19.76.209

سلطانی، هدایت‌اله.، مختاری بایع کلانی، مهران.، تقی پوریان، یوسف. و فرخ سرشت، بهزاد. (۱۴۰۱). ارائه مدل ساختاری عوامل پیشگیری فساد اداری. پژوهش‌های مدیریت عمومی، ۱۵(۵۷)، ۲۸۹-۳۱۷.

Doi: 10.22111/jmr.2022.38885.5504

- شفیع‌آبادی، عبدالله. و ناصری، غلامرضا. (۱۴۰۱). نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- فاضلی، محمد. (۱۳۹۸). چرا بگیر و ببندهای جدید متهمان فساد کم‌اثرند؟. روزنامه همدلی، ۵ شهریور.
- فرهادی‌نژاد، محسن. (۱۳۹۹). مهار فساد: تجارب و راهبردها. سمنان: انتشارات دانشگاه سمنان.
- کیوان‌پناه، علی. (۲۶ شهریور ۱۳۸۸). «ریشه‌های فساد مالی و اداری کجاست؟». دنیای اقتصاد.
- نیک‌پور، امین. (۱۳۹۵). ارائه الگوی نظارت عمومی به منظور پیشگیری از بروز فساد اداری در سازمان‌های دولتی ایران. مجلس و راهبرد، ۲۳ (۸۷)، ۲۰۱-۲۳۱.
- نیک‌پور، امین. (۱۴۰۱). ارائه الگوی نظارت مدیریتی به منظور پیشگیری از بروز فساد اداری. فصلنامه منابع انسانی تحول آفرین، ۳ (۳)، ۳۳-۴۶.

- Ahmadi, F., Zandi, S., Khodayarifard, M., Cetrez, Ö. A., & Akhavan, S. (2023). Job Satisfaction and Overcoming the Challenges of Teleworking in Times of COVID-19: A Pilot Study among Iranian University Community. *SAGE Open*, 13(2), 1-24. [Doi:10.1177/21582440231173654](https://doi.org/10.1177/21582440231173654)
- Ahmadi, F., Khodayarifard, M., Rabbani, M., Zandi, S., & Sabzevari, M. (2022). Existential Meaning-Making Coping in Iran: A Qualitative Study among Patients with Cancer. *Social Sciences*, 11(2), 80. [Doi:10.3390/socsci11020080](https://doi.org/10.3390/socsci11020080)
- Dalkey, N., & Helmer, O. (1963). An Experimental Application of the Delphi Method to the Use of Experts. *Management Science*, 9(3), 458-467.
- Dimant, E., & Tosato, G. (2018). Causes and effects of corruption: What has past decade's empirical research taught us? A survey. *Journal of Economic Surveys*, 32(2), 335-356. [Doi:10.1111/joes.12198](https://doi.org/10.1111/joes.12198)
- Dunning, D. (2007). Self-image motives and consumer behavior: How sacrosanct self-beliefs sway preferences in the market place. *Journal of Consumer Psychology*, 17(4), 237-249. [Doi:10.1016/S1057-7408\(07\)70033-5](https://doi.org/10.1016/S1057-7408(07)70033-5)
- Dupuy, K., & Neset, S. (2018). *The cognitive psychology of corruption: Micro-level explanations for unethical behavior*. Bergen: Chr. Michelsen Institute.
- Forgues-Puccio, G. F. (2013). Existing practices on anti-corruption, economic and private sector professional evidence and applied knowledge services helpdesk request. Retrieved 09/01/2021 from. <https://assets.publishing.service.gov.uk>
- Han, J. (2023). Examining Determinants of Corruption at the Individual Level in South Asia. *Economies*, 11(7), 179. [Doi:10.3390/economies11070179](https://doi.org/10.3390/economies11070179)
- Hansen, L. W. (2019). Prosocial Behavior and its Impact on Corruption and State Capacity. Master's thesis, Florida Southern College.
- Khodayarifard, M., Salehi, K., Shahabi, R., Azarbayjani, M., Asayesh, M., Asefnia, A., Ayatollahi, H., Abili, K., Afrooz, G., Akbari-Zardkhaneh, S., Bagheri-Nowparast, K., Pourhosein, R., Peyravi, H., Taghizadeh, S., Hajhosseini, M., Hejazi, E., Hasanirad, M., Kharrazi, S. K., Deghani, M., Zandi, S., ... Nourbakhsh, Y. (2023). Phenomenology of ethics in the university: Facilitators and barriers. *Research Quarterly in Islamic Ethics*, 16(60), 163-186.

- Klitgaard, R. (1998). *Controlling Corruption*. Berkeley, CA: University of California Press.
- Köbis, N. C., van Prooijen, J. W., Righetti, F., & Van Lange, P. A. M. (2017). The Road to Bribery and Corruption: Slippery Slope or Steep Cliff? *Psychological Science*, 28(3), 297–306. [Doi:10.1177/0956797616682026](https://doi.org/10.1177/0956797616682026)
- Lianju, S., & Luyan, P. (2011). Game Theory Analysis of the Bribery Behavior. *International Journal of Business and Social Science*, 2(8), 104-107.
- Manara, M. U., Nübold, A., van Gils, S., & Zijlstra, F. R. H. (2023). Exploring the path to corruption-An informed grounded theory study on the decision-making process underlying corruption. *PloS one*, 18(9), e0291819. [Doi:10.1371/journal.pone.0291819](https://doi.org/10.1371/journal.pone.0291819)
- Milgram, S. (2019). *Obedience to Authority*. New York: Harper Perennial.
- Othman, Z., Shafie, R., & Zakimi AbdulHamid, F. (2014). Corruption – Why do they do it? *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 164, 248-257. [Doi:10.1016/j.sbspro.2014.11.074](https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2014.11.074)
- Peng, C. (2021). What makes people feel poor when they are economically non-poor? Investigating the role of intergenerational mobility and comparison with friends. *Research in Social Stratification and Mobility*, 75, 100645. [Doi:10.1016/j.rssm.2021.100645](https://doi.org/10.1016/j.rssm.2021.100645)
- Rangone, N. (2016). A behavioural approach to administrative corruption prevention. Paper presented at International Conference on Blurring Boundaries in Anti-corruption Research: A Transdisciplinary approach; Barcelona, Spain.
- Rose-Ackerman, S., & Palifka, B. J. (2020). *Corruption and Government: Causes, Consequences, and Reform*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Tabachnick, B. G., & Fidell, L. S. (2012). *Using multivariate statistics* (6th ed.). Boston: Allyn & Bacon/Pearson Education.
- Tian, Q. (2008). Perception of business bribery in China: The impact of moral philosophy. *Journal of Business Ethics*, 80, 437–445. [Doi:10.1007/s10551-007-9429-x](https://doi.org/10.1007/s10551-007-9429-x)
- Transparency International. (2024). Corruption Perceptions Index. Retrieved from <https://www.transparency.org/en/cpi>
- Tunley, M., Button, M., Shepherd, D., & Blackburn, D. (2018). Preventing occupational corruption: utilising situational crime prevention techniques and theory to enhance organisational resilience. *Security Journal*, 31, 21-52. [Doi:10.1057/s41284-016-0087-5](https://doi.org/10.1057/s41284-016-0087-5)
- Wang, P. (2013). The rise of the Red Mafia in China: a case study of organized crime and corruption in Chongqing. *Trends in Organized Crime*, 16(1), 49-73. [Doi:10.1007/s12117-012-9179-8](https://doi.org/10.1007/s12117-012-9179-8)
- Zandi, S., Rahimi, A., & Mousavi-Nasl, M. (2021). Consequences of death awareness in adolescents' lives: A qualitative study. *Journal of Counseling Research*, 19(76), 209-233. [Doi:10.29252/jcr.19.76.209](https://doi.org/10.29252/jcr.19.76.209)

Zandi, S., Esmaili, M., & Farahbakhsh, K. (2024a). Victims of Corruption Suffer Personal and Collective Loss: A Qualitative Study of Public Perceptions. *Illness, Crisis & Loss, 0*(0). [Doi:10.1177/10541373241234503](https://doi.org/10.1177/10541373241234503)

Zandi, S., Esmaili, M., & Farahbakhsh, K. (2024b). Individual and Contextual Factors Associated With the Prevention of Corruption: A Qualitative Study Among Iranian Public Employees. *Journal of Theoretical Social Psychology, 2024*(1), 9971954. [Doi:10.1155/2024/9971954](https://doi.org/10.1155/2024/9971954)



© 2021 Iran Counseling Association, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)

